



صلح پایدار توسط نهادهای بین‌المللی پاسداری نمی‌شود

سکوت هابرماس چه زمانی می‌شکند؟

نقد و نظر

دکتر حسین مصباحیان

استاد فلسفه

نسل‌کشی اسرائیل در غزه و تجاوز این رژیم نژادپرست به خاک ایران، جهان مدرن را با وضعیت بی‌سابقه‌ای هم از نظر «فلسفی» و هم از نظر «نهادی» مواجه کرده است. در سطح فلسفی شاهد بن‌بست نظریه‌های متفکرانی چون هابرماس هستیم و در سطح نهادی هم از نهادهای بین‌المللی که قرار بود پاسداران صلح باشند ناامید شدیم. در این گفتار، دکتر مصباحیان با نقد نظریه «عقلانیت ارتباطی» هابرماس نشان می‌دهد که جنایات اسرائیل در غزه چطور پایه‌های فلسفه مدرن را متزلزل کرده است و نهادهای بین‌المللی را به ورشکستگی اخلاقی کشانده است. مکتوب حاضر، گزیده ویرایش شده «ایران» از سخنرانی او با موضوع «مسائل فلسفی دانشگاه» است که به صورت برخط در «کانون جهان ایرانی دانشگاه تهران» ارائه شده است.

سقوط اخلاقی یک متفکر
بنابینه هابرماس در حمایت از جنایات اسرائیل و با نادیده گرفتن حقوق فلسطینیان، اصل همه شمولی «اخلاق گفت‌واری» را که خود هابرماس

طراح آن بود، نقض کرد و به جای گفت‌وگوی واقعی، اجماع یک طرفه را پیش کشید. هابرماس در این بنابینه برخلاف شخصیت‌هایی چون چامسکی یا برنی سندرز، مخالفت با اسرائیل را با یهودستیزی پیوند می‌زند و «گفت‌وگوی انتقادی-اخلاقی» را که خود در کتاب «کنش ارتباطی» ایده‌پردازی کرده بود، سرکوب می‌کند.

رویکرد هابرماس در قبال اسرائیل نشان‌دهنده نوعی استثنائگرایی است بویژه با تأکیدی که بر مسئولیت آلمان در قبال هولوکاست می‌گذارد؛ گویی هولوکاست را تنها در چهارچوب قربانیان یهودی تعریف می‌کند و از تعمیم درس‌هایش بر سایر ستمدیدگان جهان از جمله فلسطینیان عاجز است. بعد از جنایت نازی‌ها، از سوی متفکرانی چون لویناس و آنت شاعر «دوباره هرگز» شکل گرفت و قرار بود به یک اصل اخلاقی همه‌شمول بدل شود ولی در هابرماس به یک شعار محدود و گزینشی تقلیل یافت که نشان‌دهنده ورشکستگی اخلاقی این متفکر و همچنین گویای بحران عمیق‌تری است که در نظریه «عقلانیت ارتباطی» او وجود دارد.

نهادهای بین‌المللی با ابزار هژمونی؟

نهادهای بین‌المللی که هابرماس و سایر نظریه‌پردازان لیبرال آنها را حافظ صلح پایدار می‌دانستند در نسل‌کشی غزه و با حتی تجاوز اسرائیل به خاک میهن‌مان، توانایی و ورشکستگی اخلاقی خود را نشان دادند. شورای امنیت سازمان ملل با حق وتوی اعضای دائمی بویژه آمریکا در حمایت از اسرائیل به صحنه برای قدرت‌های بزرگ بدل شده است. این حق وتو تضمین می‌کند که قدرت‌های هژمونیک بر قوانین بین‌المللی و اراده اکثریت جهانی اولویت دارند! بنابراین «صلح پایدار» که از کانت شروع می‌شود و با هابرماس نظریه‌پردازی دقیق‌تری می‌یابد دیگر توسط نهادهای بین‌المللی پاسداری نمی‌شود بلکه این نهادها به ابزاری برای حفظ وضع موجود و مشروعیت بخشیدن به تجاوزهای آشکار بدل شده‌اند و خود، بخشی از بحران دنیای امروز ما هستند.

درماندگی «اندیشه رهایی‌بخش» در آزمون غزه

«اندیشه رهایی‌بخش» مدرن غربی در نظریه‌های متفکرانی چون هابرماس همچنان عمیقاً اروپامحور باقی مانده است و با وجود ادعای همه‌شمولی، در عمل قادر به فراتر رفتن از چهارچوب فکری و منافع خاص غربی نیست و نهادهای بین‌المللی به سازمان‌هایی برای حمایت از قدرت‌های هژمونیک بدل شده‌اند. به تاسی از ژاک دریدا در کتاب «اشباح مارکس» می‌توان گفت در طول تاریخ بشر، هیچ‌گاه نظام سلطه تا این حد نفس‌گیر نبوده است و «اندیشه رهایی‌بخش» یعنی اندیشه‌ای که از استانداردهای دوگانه و چندگانه رها باشد هیچ‌گاه تا این حد بی‌پناه و درمانده نبوده است.

اتحاد نامبارک «قدرت»، «سیاست» و «تکنولوژی» علیه مظلومان غزه

اتحاد نامبارک «قدرت»، «سیاست» و «تکنولوژی» در سطح جهانی فضایی را خلق کرده که گویی می‌توان هر صдаپی را قبل از آنکه به صدا بدل شود، هر اجتماعی را پیش از آنکه همبسته شود و هر ملتی را قبل از آنکه بین‌الملل شود؛ بی‌دردسر سرکوب کرد. این پدیداری بی‌سابقه است و اگر پدیده به زبان پدیدارشناسی شناسایی نشود و اندیشه رهایی‌بخش از اسارت عقاید قرن بیستم مبارزه، رهایی پیدا نکند و راه جدیدی را جست‌وجو نکند بیم آن

می‌رود که «اندیشه رهایی‌بخش» خود آتش‌بیار معرکه شود؛ چنانکه اکنون شده است.

در غیاب روشنفکران درآگاه و عصرآگاه

کشورمان، ایران، هم از این معادلات نوپدید جهانی و ورشکستگی فلسفه مدرن و ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی متأثر شده است. ایران شاید هیچ‌گاه به اندازه امروز در خطر نبوده چون فعالان درآگاه و عصرآگاه در وضعیت کنونی غایبند. به تعبیر میشل فوکو ما به یک «مجمع‌الجزایر روشنفکران خرد» نیازمندیم که سلطه خشونت مدرن را برنابند؛ متولیان ارزش‌ها را به چالش بکشند و قدرت نقادی الگوهای بدوی را داشته باشند. نقطه عظیم فعالیت‌های فرهنگی ما، همیشه از گذشته به اکنون بوده است که در حالی که هگل می‌گوید ابلهانه است که تصور کنیم که فیلسوف کاری غیر از پرداختن به «لحظه اکنون» دارد یا به تعبیر آگوستینوس، در فلسفه، یک زمان بیشتر نداریم و آن «زمان حال» است؛ گذشته مربوط به حافظه و آینده مربوط به تخیل است؛ بنابراین تنها زمان در دسترس، زمان حال است. اگر می‌خواهیم در ایران به تحول فکری و فلسفی برسیم باید «لحظه اکنون» و مسائل آن را به کانون توجه آوریم. یعنی از «پیشینه تمدنی» به سمت «مسائل

امروز ایران» تغییر جهت دهیم. به این منظور، باید از «ایده ایران» به سمت «ایران ایده‌ساز» حرکت کند.

«ایران» چه حرفی برای دنیای امروز دارد

مفهوم «ایده ایران» توسط «گراردو نیولی» ایرانشناس برجسته ایتالیایی، طرح شد. او استدلال می‌آورد «ایده ایران» طی یک فرآیند تاریخی طولانی که با هخامنشیان آغاز می‌شود و در نیمه اول قرن سوم میلادی قوام می‌یابد، توسعه پیدا کرده است. اهمیت نظریه نیولی در این است که این تصور که «هویت ایرانی یک برساخت مدرن است» را به چالش می‌کشد و آن را به فراتر از مرزهای ملی مدرن می‌برد. بنابراین از این طریق می‌توان روایت‌های اروپامحور از هویت ایرانی را نقد کرد و این یکی از جدی‌ترین نظریه‌هایی است که در مواجهه عالمانه با تاریخ و فرهنگ ایران صورت‌بندی شده است. وقتی ما با این ایده مواجه می‌شویم طبیعتاً به ریشه‌داری فرهنگی و تمدنی خود می‌بالیم. ولی بلافاصله این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که هویت ریشه‌دار ایران، امروز چه حرفی برای گفتن دارد؟ آیا ایران امروز در حوزه‌های مختلف فرهنگی و علوم‌انسانی هویت مستقلی دارد؟ و به رسمیت شناخته می‌شود؟

عزیمت از «ایده ایران» به سمت «ایران ایده‌ساز»

در دنیای امروز، یک ملت با حرف و افزوده‌ای که برای تمدن بشری دارد، به حرکت درمی‌آید. اما اگر یک ملت چنین حرفی نداشته باشد به گذشته خود پناه می‌برد و مدام آن را تکرار می‌کند. همه به پیشینه عمیق تمدنی ایران معتقدند؛ حتی سیاستمدارانی چون ترامپ که به خاک ما تجاوز کرد به پیشینه عمیق و بزرگ ما اذعان دارد. بنابراین پرداختن مداوم به این پیشینه، اگر خروجی «لحظه اکنون» از آن نداشته باشیم تنها تخته سنگی می‌شود که ما به آن تکیه کرده‌ایم و در سایه‌اش می‌آساییم. در حالی که فرهنگ هر لحظه به استخراج، تصفیه، عرضه و ارائه در قالب مفاهیم نو نیاز دارد.

در طرف مقابل، ما با یک فرهنگ غربی مواجهیم که عالم و آدم را در قالب مفاهیمی مشخص صورت‌بندی کرده است و اگر فرهنگ ایرانی بخشی از این تمدن جهانی را به نقد می‌کشد بطوری که لیبرالیسم‌اش را منشأ بی‌عدالتی می‌داند؛ دموکراسی‌اش را «دموکراسی سواره‌ها» می‌خواند؛ باید بر پایه متون فرهنگی خود مفهوم‌پردازی جدیدی انجام دهد. و اگر «مسئله‌شناسی از لحظه اکنون» آغاز شود ما می‌توانیم از «ایده ایران» به سمت «ایران ایده‌ساز» حرکت کنیم و این اقدامی ملی است و این مسئولیت فردی و اجتماعی اهالی دانشگاه و متفکران امروز ماست.

نشست خبری مدیرعامل فولاد خوزستان با حضور گسترده اصحاب رسانه برگزار شد

تحلیل وضعیت صنعت فولاد

چالش‌های انرژی و نقشه راه توسعه در مرکز توجه رسانه‌ها

نشست خبری مدیرعامل و مدیران ارشد شرکت فولاد خوزستان روز چهارشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۴، با حضور پرشور و بی‌سابقه بیش از ۱۸۰ نفر از مدیران مسوول، سردبیران، خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌های سراسری و استانی، در سالن کنفرانس ورزشگاه شهدای فولاد اهواز برگزار شد. این رویداد رسانه‌ای بزرگ‌ترین گردهمایی خبری سال جاری بود که به همت شرکت فولاد خوزستان برگزار شد. در این نشست، امین ابراهیمی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان، به‌همراه جمعی از مدیران ارشد شرکت، به ارائه تحلیلی جامع از وضعیت فعلی صنعت فولاد کشور، ظرفیت‌ها، تهدیدات و برنامه‌های راهبردی شرکت پرداخت. از جمله مدیران حاضر در این رویداد می‌توان به دکتر علیرضا مخبر دوفولی (قائم‌مقام در امور ستادی و مسوولیت‌های اجتماعی)، محمد نیکوکار (قائم‌مقام در امور بهره‌برداری و توسعه)، مهران پاک‌بین (معاون بهره‌برداری)، مرتضی خاکیان‌فرد (معاون منابع انسانی و امور اجتماعی)، میثم شهنیانی (معاون طرح و توسعه)، رضا وکیلی (معاون فروش و بازاریابی)، عطا تقضلی (معاون خرید) و مدیران واحدهای مختلف اشاره کرد.

فولاد خوزستان؛

از توسعه پایدار تا تهدید کمبود انرژی

در بخش نخست این نشست، مدیرعامل فولاد خوزستان با نگاهی تحلیلی به مهمترین چالش‌های پیش‌روی صنعت فولاد کشور پرداخت. وی با اشاره به بحران انرژی، تحریم‌های خارجی، رقابت در بازارهای صادراتی، لزوم توسعه زیرساخت‌ها و اهمیت پروژه‌هایی همچون تملک نیروگاه سبزووار، تأکید کرد که ادامه محدودیت در تأمین برق و گاز، آینده صنعت فولاد را در معرض تهدید جدی قرار داده است.

ابراهیمی هشدار داد که در سه سال گذشته، کمبود انرژی بیش از ۸۵۰۰ میلیارد تومان خسارت مستقیم به صنعت فولاد وارد کرده است؛ رقمی معادل احداث ۱۰ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاه خورشیدی. او همچنین خواستار بازنگری در سیاست‌های صادراتی، اصلاح تعرفه‌های انرژی و ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری در زنجیره فولاد شد.

در ادامه نشست، بخش پرسش‌وپاسخ با خبرنگاران برگزار شد. در این بخش، نمایندگان رسانه‌ها سؤالاتی درباره آینده صنعت فولاد، سهم فولاد خوزستان در صادرات، ظرفیت‌های توسعه‌ای و عملکرد شرکت در حوزه مسوولیت‌های اجتماعی مطرح کردند. پاسخ‌ها توسط مدیرعامل و معاونان تخصصی شرکت، با استناد به داده‌های آماری و برنامه‌های اجرایی، به‌صورت شفاف و کارشناسی ارائه شد.

فولاد ایران؛ صعود ناآستانه رتبه هفتم جهانی،

در گروی تأمین پایدار انرژی

امین ابراهیمی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان با تشریح دستاوردها و چالش‌های صنعت فولاد کشور، چشم‌اندازی شفاف از

جایگاه این صنعت در اقتصاد ملی و منابع پیش‌رو ترسیم کرد. او با تأکید بر ظرفیت بالقوه ایران در تولید فولاد، اعلام کرد که درصورت رفع محدودیت‌های انرژی، ایران می‌تواند جایگاه هفتم جهانی در تولید فولاد را تصاحب کند و حتی از کشورهایی چون آلمان پیشی بگیرد.

تولید، صادرات و سهم در اقتصاد ملی

بر اساس اظهارات ابراهیمی، ظرفیت اسمی تولید فولاد در کشور به ۵۵ میلیون تن در سال رسیده و تولید واقعی نیز به مرز ۳۱ میلیون تن نزدیک شده است. فاصله ایران با رتبه هفتم جهانی کمتر از ۵ میلیون تن است. در سال ۱۴۰۲، صنعت فولاد با سهمی ۵.۵ درصدی، بیش از ۱۵۸۰۰ هزار میلیارد ریال به تولید ناخالص داخلی کشور (با احتساب نفت) کمک کرده است. این رقم بدون احتساب نفت نیز به بیش از ۱۴۳۰۰

هزار میلیارد ریال می‌رسد.



فولاد و مسکن؛ رفع یک تصور غلط

ابراهیمی با رد نقش فولاد در افزایش بهای مسکن، سهم فولاد در هزینه ساخت هر مترمربع را تنها ۲.۵ درصد دانست؛ رقمی که برابر با هزینه کمبیسون مشاوران املاک است. او با اشاره به شاخص مصرف ظاهری فولاد (شاخصی برای سنجش توسعه‌یافتگی)، از رشد ۳.۵ درصدی این شاخص در سه‌ماهه نخست سال جاری خبر داد.

توسعه پایدار؛ محیط زیست، آب و فن آوری

به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده آهن اسفنجی در جهان، از فن‌آوری‌های کم‌کربن نسل سوم بهره می‌برد که برخلاف روش‌های سنتی کوره بلند، آلایندگی به‌مراتب کمتری دارد. در حال حاضر، ۹۰ درصد فولاد کشور با روش قوس الکتریکی تولید می‌شود که دوستدار محیط زیست است. درزمینه مصرف آب، برخلاف تصور عمومی، کل مصرف آب صنعت فولاد کشور تنها



۱۵۴ میلیون مترمکعب در سال است؛ معادل ۰.۱۵ درصد از کل مصرف آب کشور. فولاد خوزستان با اجرای پروژه‌های بازیافت و بازچرخانی، موفق به تأمین ۷۰ میلیون مترمکعب آب از طریق تصفیه پساب‌ها شده است.

ناآراری انرژی؛

زنگ خطر جدی برای صنعت فولاد

یکی از جدی‌ترین چالش‌های صنعت فولاد،

محدودیت در تأمین انرژی است. ابراهیمی با اشاره به از دست رفتن ۸.۵ میلیارد دلار درآمد طی سه سال گذشته، این محدودیت‌ها را بزرگ‌ترین تهدید برای پایداری صنعت فولاد دانست. در حالی که فولاد فقط ۷ درصد از پیک برق و کمتر از ۵ درصد از گاز کشور را مصرف می‌کند، همواره اولین قربانی ناآراری انرژی بوده است.

افزایش بی‌رویه هزینه‌های انرژی نیز فشار مضاعفی بر سودآوری این صنعت وارد کرده است. در پنج سال گذشته، قیمت برق ۳۰ برابر، گاز ۲۸ برابر و آب ۴۰ برابر افزایش یافته؛ در حالی که بهای شمش فولاد تنها ۷ برابر شده است. این ناهماهنگی، حاشیه سود فولادی‌ها را از ۲۴ درصد در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۰ درصد در سال جاری کاهش داده است.

پیشرفت پروژه‌های توسعه‌ای

و اشتغال‌زایی بومی



استان خوزستان شده است. پروژه‌هایی مانند فولادسازی شادگان و زمزم ۳ با پیشرفت ۶۰ درصدی، نشان‌دهنده رشد دو برابری در مقایسه با پیشرفت ۳۰ درصدی پروژه‌ها طی دهه قبل هستند.

راه‌حل فولاد خوزستان؛

سرمایه‌گذاری در نیروگاه برق

در راستای تأمین پایدار انرژی، فولاد خوزستان با سرمایه‌گذاری ۹۳۰۰ میلیارد تومانی اقدام به خرید نیروگاه سبزووار کرده است. این اقدام، ظرفیت تولید شرکت را در تیرماه تا ۱۲۰ هزار تن افزایش داده و مانع از افت تولید به سطح ۲.۶ میلیون تن در سال شده است. با راه‌اندازی کامل این نیروگاه، ظرفیت اسمی ۴.۲ میلیون تنی این شرکت قابل دستیابی خواهد بود.

ضرورت تأمین برق پایدار؛

کلید حفظ مزیت رقابتی کشور

در جمع‌بندی، ابراهیمی تأکید کرد که تداوم توسعه صنعت فولاد کشور، به‌ویژه برای شرکت‌هایی مانند فولاد خوزستان، به تأمین پایدار انرژی وابسته است. عدم تحقق این مهم، نه‌تنها باعث کاهش صادرات و از دست رفتن بازارهای منطقه‌ای می‌شود، بلکه با کاهش سودآوری شرکت‌های بوسری، منافع سهامداران و ثبات بازار سرمایه را نیز به خطر می‌اندازد.

بازدید میدانی؛ لمس واقعیت صنعت از نزدیک

پایان‌بخش این رویداد رسانه‌ای، بازدید میدانی خبرنگاران از ایستگاه اصلی برق و سایت فولادسازی شرکت فولاد خوزستان بود. در جریان این بازدید، خبرنگاران از نزدیک با فرآیند تولید، تأثیرات کمبود انرژی بر خط تولید، و اهمیت تأمین پایدار برق برای تداوم فعالیت‌های صنعتی آشنا شدند.